

ڪتاب وردھا

ميرندا گاسپهاڪ

(جی. کی. رولینگ)

اموال کتابخانه مدرسه هاگوارتس

نام	موعد برگشت

هشدار: اگر این کتاب را پاره کنید، صفحه‌ای از آن بکنید، ریزریز، خم، تا یا خراب کنید، از شکل بیندازید، کثیف کنید، لک بیندازید، پرت کنید، زمین بیندازید یا به هر طریق دیگری به آن آسیب بزنید یا با آن بد رفتاری کنید یا نسبت به آن بی‌احترامی نشان دهید، تا جایی که اختیارات من اجازه بدهد کاری می‌کنم که عواقب آن برای شما به هولناک‌ترین شکل ممکن باشد.

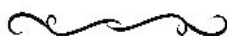
ارما پینس¹، کتابدار هاگوارتس

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول
۱۲	افسون شناورسازی
۱۵	جادوی آب‌ساز
۱۶	افسون قفل‌گشا
۱۹	افسون روشنایی چوب‌دستی
۲۱	چیستان ۱
۲۳	فصل دوم
۲۴	جادوی آتش‌ساز
۲۶	افسون احضار پرنده
۲۸	افسون آشکارساز
۳۰	افسون‌های بزرگ‌کننده و کوچک‌کننده
۳۱	چیستان ۲
۳۳	فصل سوم
۳۴	جادوی حفرکننده
۳۵	افسون بدل‌ساز

۳۶	افسون ترمیم‌کننده
۳۹	افسون تمیزکننده
۴۱	طلسم آن‌دماغ خفاشی
۴۲	افسون سپر
۴۵	چیستان ۳
۴۷	فصل چهارم
۴۸	افسون فراخوانی
۵۲	افسون بُرنده
۵۵	طلسم بازدارنده
۵۶	افسون سنگ‌کننده
۵۷	چیستان ۴
۵۹	فصل پنجم
۶۰	افسون خلع سلاح
۶۳	طلسم خردکننده
۶۴	جادوی بیهوش‌کننده
۶۵	افسون پاترونوس
۷۰	چیستان ۵
۷۳	پس‌گفتار

پیشگفتار



من در خانواده‌ای تنگدست متولد شدم. نه خواهر بودیم که من کوچک‌تر از همه بودم. وقتی بچه بودم، هیچ کتاب‌درسی جادویی ساده‌ای نبود که برای ساحره تازه‌کاری مثل من دستورالعمل‌های واضح و ساده‌ای داشته باشد که جادو را تبدیل به فرایندی کند که رمز و راز خیلی کمتری داشته باشد. کتاب‌های درسی سنتی‌ای که در مدرسه به من دادند دستورالعمل‌های پیچیده‌ای داشت که فهم آن‌ها برایم دشوار بود.

از طرف دیگر، در خانه اسیر تلاش‌های شیطنت‌آمیز خواهران بزرگ‌ترم بودم که برای هر جادویی که می‌خواستیم یاد بگیریم ورد اشتباهی را به من می‌گفتند. ردای مندرس فقط خجالت‌آور است، اما جادوی مندرس می‌تواند خطرناک باشد.

وقتی بزرگ شدم، به سرعت دریافتم که کمکی که به دنبال آن بودم وجود خارجی ندارد، بنابراین کتابی را که هم‌اکنون در دست دارید به نگارش درآوردم: کتاب وردها. بی‌نهایت مایه افتخار من است که در حال حاضر این کتاب‌درسی ساده در مدارس جادوی سراسر دنیا استفاده می‌شود و به ۷۲ زبان دنیا از جمله گابلدیگوک^۱ و زبان دریایی^۲ ترجمه شده است.

همچنین نسخه‌های ویژه‌ای را برای خواهران عزیزم چاپ کردم که متأسفانه شامل چند اشتباه چاپی بود که منجر به چندین اتفاق خنده‌دار شد! البته حالا دیگر دُم رومیلدا^۳

۱- Gobbledeook: زبان مادری گابلین‌ها. م.

۲- Mermish: زبان مادری آدم‌های دریایی. م.

ناپدید شده و همه باهم آشتی کرده‌ایم.

کتاب وردها شما را قادر به اجرای طیفی از جادوهای ساده و نه‌چندان ساده خواهد ساخت که باعث حفظ جان و بهبود و طراوت زندگی شما خواهد شد.

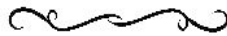
در پایان هر فصل، چیستانی آورده شده، شعرهای کوتاهی که هرکدام حاوی پیام پنهانی در خصوص ویژگی‌ها و عاداتی است که باعث پیشرفت واقعی ساحره‌ها و جادوگران می‌شوند. هر چیستان روایت زندگی یک ساحره یا جادوگر است که خصوصیت لازم را نداشته و بهایش را پرداخته... (برای حفظ آبروی این افراد بی‌کفایت، اسامی تغییر یافته‌اند).

هنگامی که به تمام جادوهای این کتاب مسلط شدید، پاسخ همه چیستان‌ها را خواهید یافت (اما آن زمان شاید دیگر نیازی به پاسخشان نداشته باشید).

موفق باشید، مراقب خودتان باشید و جادوهای خوب کنید!

میراندا گاسهاک^۱

فصل اول



در این فصل چهار ورد را یاد می‌گیریم که برای رشد مهارت شما در کار با چوب‌دستی
ایده‌آل هستند. تک‌تک این جادوهای جدید در دوران جادوگری شما مطمئناً مفید واقع
خواهند شد، چه بخواهید اشیا را به پرواز درآورید و چه در تاریکی راهتان را روشن کنید.

افسون شناسازی

افسون شناسازی یکی از اولین جادوهایی است که هر ساحره یا جادوگری یاد می‌گیرد. ساحره یا جادوگر با این افسون می‌تواند با تکان مختصر چوب‌دستی‌اش، اشیا را به پرواز درآورد. این افسون آزمونی عالی برای محک‌زدن مهارت جادویی، کنترل چوب‌دستی و مهم‌تر از همه، صبر شماست.

افسون شناسازی در سال ۱۵۴۴ به‌دست جادوگری به نام جارلت هوبارت^۱ ابداع شد که به‌اشتباه فکر می‌کرد سرانجام موفق به انجام کاری شده که تا آن روز جادوگران از آن عاجز بودند و پرواز را یاد گرفته است.

هوبارت جمعیت زیادی از جادوگران، از جمله جادوگر اعظم ویزنگاموت^۲، را دعوت کرد تا شاهد اولین پرواز او باشند. در شانزدهم ژوئیه ۱۵۴۴، هوبارت به بالای پشت‌بام یک کلیسای محلی رفت و بعد از چندین سخنرانی و اجرای شورانگیز سرود ملی، به هوا پرید. در ابتدا، به نظر می‌رسید که هوبارت موفق شده است. او حدود سه دقیقه در هوا معلق ماند. تا اینکه جمعیت بی‌حوصله شدند و می‌خواستند جابه‌جایی او را ببینند. هوبارت در پاسخ به فریادهای اعتراض‌آمیز آن‌ها، با قدرت شروع به دست‌ویازدن در هوا کرد، اما هیچ تأثیری نداشت. او که به‌اشتباه فکر می‌کرد چکمه‌ها و ردای سنگینش مانع حرکتش می‌شوند، آن‌ها را درآورد و کنار انداخت. هوبارت به‌محض درآوردن چکمه‌ها و ردایش، سه متر پایین‌تر آمد و کسانی که از پایین او را تماشا می‌کردند، به‌طرز دردناکی متوجه شدند که چکمه‌ها و ردا نه‌تنها مانع پرواز او نشده بودند، بلکه کمک می‌کردند که او در هوا معلق بماند.

1- Jarleth Hobart

۲- رئیس دیوان عالی قضایی و مجلس جادوگری بریتانیا. م.

هوبارت که از خنده تماشاگران که هر لحظه بلندتر می‌شد به شدت عصبانی شده بود، بقیه لباس‌هایش را درآورد تا اینکه در نهایت با درآوردن شورتش، لخت مادرزاد روی زمین سقوط کرد و شانزده استخوانش شکست و به دلیل آنچه جادوگر اعظم «حماقت شرم‌آور» توصیف کرد، جریمه‌ای شامل حالش شد.

هوبارت که تحقیر شده بود، به خانه برگشت و کارش را ادامه داد. او در نهایت متوجه شد که جادویی را ابداع کرده که اشیا را به پرواز درمی‌آورد و بسته به وزن اشیا و مهارت افسونگر، می‌تواند آن‌ها را تا مدت‌زمان مختلفی در هوا معلق نگه دارد. حیوانات کوچک و حتی کودکان را می‌شد به هوا بلند کرد، اما زمانی که در هوا معلق می‌شدند، افسونگر هیچ اختیاری روی جهت حرکت آن‌ها نداشت.

در نتیجه، هوبارت دوباره اطلاعیه‌ای صادر کرد و این بار حتی جمعیت بیشتری به امید اینکه او را دست بیندازند و بخندند برای تماشای نمایشش جمع شدند.

نمایش جدید در ابتدا بسیار موفق‌تر از نمایش اول بود. هوبارت به تماشاگران نشان داد که می‌تواند انواع و اقسام اشیا از سنگ‌های کوچک گرفته تا درخت‌های شکسته را به هوا بلند کند. متأسفانه هلهله جمعیت هوبارت را جوگیر کرد و او تصمیم گرفت که برای آخرین بخش نمایش، کلاه جادوگر اعظم را به هوا بلند کند. آن موقع بود که او و جمعیت متوجه شدند که جادوگر اعظم کلاه‌گیس سرش گذاشته است. در نتیجه این اتفاق دوئلی بین آن دو درگرفت که هوبارت فقط توانست با شناور کردن ردای جادوگر اعظم روی سر او و پا به فرار گذاشتن، جان سالم به در ببرد.

ورد

ورد افسون شناورسازی «وینگاردیوم لویوسا^۱» است. حتماً «گار» را خوب و بلند ادا کنید.

1- Wingardium Leviosa: ریشه: wing (پرواز) + واژه لاتین arduus (به سمت بالا) + واژه لاتین levo (بالا بردن). م.